

بسم الله الرحمن الرحيم

مقاله حاضر مطالعه شد، نکاتی در کنار آن یادداشت شد. نکاتی کلی نیز در این بخش یاد آور می شود:

۱. این مقاله مبتنی است بر عبارت شیخ طوسی در ترجمه محمد بن ابی عمیر: « روی عنه أحمد بن محمد بن عیسی کتب مائه رجل من رجال ابی عبد علیه السلام» در واقع، تأکید این روایت، بر نقش آفرینی محمد بن ابی عمیر در انتقال کتب اصحاب الصادق علیه السلام، به نسل ها و حوزه های بعدی است و تأکیدش بر نقش آفرینی احمد اشعری نیست.

وقتی که به اسناد روایات ابن ابی عمیر و نیز طریق مصنفات خود ایشان نگاه می اندازیم، احمد اشعری را «کم نقش» می یابیم؛ بر خلاف ادعایی که در این مقاله مطرح شده و وی را از برجسته ترین شاگردان ابن ابی عمیر دانسته است. جالب آن است در حدود ده طریقی که نجاشی و طوسی به تألیفات ابن ابی عمیر ترسیم نموده اند، احمد اشعری حتی در یک طریق واقع نشده است.

با توجه به این مسأله، می توان عنوان مقاله را به گونه ای دیگر طراحی کرد. مثلا: «ارزیابی گزارش نقش آفرینی ابن ابی عمیر در انتقال صد کتاب از اصحاب الصادق علیه السلام توسط احمد اشعری»

۲. گرچه این موضوع، علیرغم اهمیت، ضرورت چندانی ندارد و نپرداختن به آن، مشکلی ایجاد نمی کند، ولی شیوه بررسی مؤلف، جالب است و می توان آن را به عنوان یک قالب پردازش فهرستی، منتشر نمود. البته در ۹ صفحه ای آورده شده که ممکن است اصلاح آن، تغییرات زیادی را در مقاله به دنبال داشته باشد.

لازم به ذکر است که اتکای ایشان به «احتمال» و «احتمال در احتمال»، از سداد استدلال ها کاسته است که می توان آن را جبران و اصلاح نمود. (در برخی تعلیقه ها بدان اشاره داشته ام).

پیشنهاد می شود نویسنده حتما جهت انگیزه سازی، اقدام نماید و ضرورت و اهمیت آن را تبیین نماید.

۳. لازم است به «هدف پژوهش» نیز اشاره شود که با انجام این فرایند، به دنبال اثبات یا تثبیت چه چیزی است. ضمن آن که باید به پیشینه پژوهش نیز اشارت داشته باشد که آیا این شیوه کار مسبوق به سابقه است یا خیر؟ ذکر دستاوردهای پژوهش نیز بخش دیگر کاستی هاست.

۴. برخی بخش های مقاله، مقداری اغلاق دارد و باید متن پاراگراف را دو یا سه بار خواند تا متوجه منظور نویسنده شد. نیاز به بازنویسی دارد.

۵. تکرار عبارات در این مقاله، فراوان است. در ذکر روایان دسته های چهارگانه، وقتی که در ابتدای عبارت، قصد اثبات اشتها کتاب را دارد، این عبارات به مرات تکرار شده است: (از یرویه جماعه برداشت اشتها می کنیم. از تعدد طرق، اثبات اشتها می کنیم.) شاید بتوان برای این مسأله نیز راه حلی ارائه نمود. حتی شاید بتوان مؤلفان دسته های چهارگانه را در جدولی سامان داد. با این ستون ها: نام مؤلف - دلیل بر اشتها کتاب - نقش احمد در انتقال کتاب یا روایت .

۶. با توجه به حجم فراوان پاورقی ها (حدود چهار صفحه ۳۰۰ کلمه ای) پیشنهاد می شود فکری به حال تخلیص آن نمود. هر طور صلاح می دانید.

[R1] Commented: سرخه ای: بسمه تعالی با تشکر فراوان از لطف و محبت جناب آقای دکتر حجت و دقت نظر و راهنمایی های مفید ایشان سعی نموده ام بیشتر توصیه های کارگشای ایشان را به کار بندم و برخی را نیز پاسخ داده ام امید است که مجموعه مقبول واقع گردد

[R2] Commented: سرخه ای: اگر چه این عبارت در معرفی ابن ابی عمیر گزارش شده اما به خودی خود گزاره ای است که نیاز به راستی آزمایی دارد و ما در این مقاله در صدد گردآوری شواهد و قرائن برای اثبات یا نفی این گزاره بوده ایم

[R2] Commented: سرخه ای: مقاله حاضر مبتنی بر یک پایان نامه است که با بررسی طرق برجای مانده در فهراس و مشیخه اصحاب، منابع روایت شده از سوی ابن ابی عمیر، بررسی و تحلیل گردید. آمار به دست آمده از گزارش چندین برابر احمد از ابن ابی عمیر نسبت ده دیگران حکایت دارد. این نشان می دهد که بیشتر این تراش از سوی احمد به دست نسل های بعدی رسیده است. بنابراین برجسته بودن احمد در میان روایان از ابن ابی عمیر سخنی هماهنگ با گزارش های برجای مانده است

[R4] Commented: سرخه ای: در کامنت دوم پاسخ داده شد

[R6] Commented: سرخه ای: پاسخ آن در تعلیقه در ص ۹ آمده است.

[R6] Commented: سرخه ای: فرمایش شما صحیح است سعی کردم کمی از احتیاط کم کنم و موارد احتمال را کاهش دهم

[RV] Commented: سرخه ای: پیشنهاد به جایی است در صفحه ۳ در پارگراف اول با طرح سه پرسش به این امر اختصاص یافته است

[R8] Commented: سرخه ای: فکر می کنم با طرح پرسش های مطرح شده در ابتدای مقاله و ارائه پاسخ ها در جمع بندی مقصود شما هم تامین شده باشد

[R9] Commented: سرخه ای: فرمایش شما صحیح است سعی در مواردی که تذکر داده بودید تغییراتی اعمال شود

[R10] Commented: سرخه ای: با تشکر از راهنمایی شما. راه حلی برای این کار در نظر گرفته شد و اعمال گردید

[R11] Commented: سرخه ای: به نظرم ارائه این پاورقی ها برای مستند سازی مطالب ضروری است. اگر دوستان بیسندند پاورقی ها را به صورت سه ستونی صفحه آرایی کردم احتمالا تا حدودی این اشکال شما نیز برطرف شده باشد. چون تعداد صفحات ۴ صفحه کمتر شد از راهنمایی های شما بسیار بسیار سپاسگزارم

ارزیابی گزارش صد کتاب اصحاب امام صادق (ع) به روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر

چکیده

ابن ابی عمیر از روایان برجسته اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم و از طبقه سوم اصحاب اجماع است. وی محضر امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) را درک کرده است. او یکی از افراد شاخص در نقل و انتقال منابع حدیثی به شاگردانش بوده‌اند. احمد بن محمد بن عیسی اشعری از برجسته‌ترین شاگردان وی به شمار می‌رفته است. در گزارش شیخ طوسی آمده است که احمد اشعری آثار ۱۰۰ تن از اصحاب امام صادق (ع) را از طریق ابن ابی عمیر روایت کرده است. این نوشتار بر آن است تا با استناد به فهراس برجای مانده و شواهد موجود، این گزارش را ارزیابی مورد راستی آزمایشی قرار دهد. با توجه به مستندات موجود می‌توان حدس زد این عدد تقریبی و نزدیک به واقعیت بوده است.

واژگان کلیدی

ابن ابی عمیر، احمد اشعری، فهرست، روایت، منابع حدیثی

درآمد

از بعثت رسول خاتم (ص) اصحاب به نوشتن و مکتوب کردن آیات الهی و احادیث نبوی (ص) امر شدند. سیر کتابت احادیث نسل به نسل ادامه یافت تا آن‌که در زمان امام صادق (ع) تدوین کتاب میان روایان امامیه به شیوه رایج محدثان بدل گشت. در این دوره انتقال و روایت مجموعه‌های حدیثی از فعالیت‌های روایان به شمار آمد. محدثان گاه آثار خود را به روایان دیگر می‌سپردند و گاه کتب دیگر محدثان را از مؤلفان دریافت کرده و به روایان نسل‌های بعد، انتقال می‌دادند. یکی از کسانی که در انتقال آثار خود و دیگر محدثان و نشر و ترویج روایات ائمه (ع) نقش ویژه‌ای ایفا نموده، ابن ابی عمیر است. محمد بن زیاد بن عیسی الأزدی مشهور به ابن ابی عمیر، بغدادی الاصل و از روایان عظیم الشان شیعه در اواخر قرن دوم و اوائل قرن سوم بوده است.^۱ وی از طبقه سوم اصحاب اجماع^۲ و از موثق‌ترین روایان در نزد امامیه و عامه به شمار می‌رود.^۳ در باره سال ولادت این محدث جلیل القدر اطلاعات دقیقی در دست نیست؛ اما نجاشی به صراحت تاریخ وفات وی را سال ۲۱۷ اعلام کرده و او را هم عصر امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) دانسته است.^۴ شیخ طوسی نیز گفته است: وی محضر امام کاظم (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) را درک کرده است.^۵ نقش ابن ابی عمیر در ترویج احادیث معصومان (ع) بسیار گسترده است. گزارش‌های موجود در منابع فهرست و جوامع حدیثی، گویای آن است که وی را باید یکی از برجسته‌ترین نقاط تمرکز و انتشار احادیث در میان محدثان امامیه دانست. بررسی فهراس برجای مانده و اسناد موجود در آثار حدیثی نشان می‌دهد که از میان شاگردان ابن ابی عمیر، احمد بن محمد بن عیسی اشعری از امتیاز خاصی برخوردار بوده است.

با آنکه بیشتر روایات ابن ابی عمیر با گزارش ابراهیم بن هاشم به منابع حدیثی شیعه راه یافته؛ ولی از عبارت شیخ طوسی در باره ابن ابی عمیر، چنین برمی‌آید که تنها احمد بن محمد بن عیسی اشعری آثار صد محدث مؤلف را از او گرفته و به دیگران انتقال داده است. شیخ طوسی در این باره گفته است: «روی عنه أحمد بن محمد بن عیسی کتب مائة رجل من رجال ابی عبدالله (ع)».^۶

Commented [h۱۲]:

بهرتر است عنوان اصلاح شود، کمی اغلاق دارد. مثلاً: «ادعای انتقال صد کتاب اصحاب امام صادق علیه السلام توسط ابن ابی عمیر؛ در بوته ارزیابی و نقد» یا چیزی شبیه این! سرخه ای: چنین عنوانی با واقعیت هماهنگ نیست زیرا نزدیک به ۱۴۰ کتاب از سوی ابن ابی عمیر روایت شده و آمار آن نیز استخراج شده است هدف از این مقاله نیز راستی آزمایی گزارش یک سطر است که شیخ طوسی در باره ابن ابی عمیر و احمد اشعری داده است.

Commented [h۱۳]:

این واژگان نیز می‌تواند اضافه شود: کتاب (یا کتاب حدیثی) شهرت نسخه مشیخه اصحاب الصادق ع سرخه ای: جسارتاً با منابع حدیثی موافقم اما به نظر بنده سایر موارد در حدی نیست که به عنوان کلید واژه این مقاله محسوب شود

Commented [h۱۴]:

نیازی به این قید زمانی نیست. چرا که در شیعه پیش از این زمان هم کتابت صورت می‌گرفت. سرخه‌ای: اگر چه با شما هم عقیده نیستم ولی عبارت اصلاح شد

Commented [h۱۵]:

نکته ای در صفحه اول تذکر داده شده است. سرخه ای: پاسخ در آنجا داده شد با این حال عبارت تغییر کرد

^۱ رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷.

^۲ الفهرست، ص ۴۰۴، ش ۶۱۸.

^۳ رجال النجاشی، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰.

^۴ الفهرست، ص ۴۰۴، ش ۶۱۸.

^۵ رجال النجاشی، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷.

Commented [h16]:

بهرتر است ابتدا علامت سؤالی ایجاد نمود تا انگیزه برای پیگیری بحث ایجاد شود.
مثلا:

علیرغم آن که اکثر روایات ابن ابی عمیر از طریق ابراهیم بن هاشم القمی به منابع حدیثی شیعه راه یافته است و در باره وی گفته اند: «اول من نشر حدیث الکوفین بقم»، ولی می بینیم که شیخ طوسی در ترجمه محمد بن ابی عمیر، احمد اشعری را انتقال دهنده صد کتاب اصحاب امام صادق علیه السلام از طریق ابن ابی عمیر معرفی نموده است. آن چه که این نوشتار در پی بررسی و راستی آزمایی آن است، صحت این انتساب است.

بگذریم از این اشکال، که بر فرض عدم صحت این گزاره، چه مشکلی ایجاد می شود؟ یعنی ظاهرا این مقاله از ضرورت خاصی برخوردار نیست!

سرخه‌ای: عبارت تغییر کرد

Commented [h17]:

مؤلفان یعنی اصحاب الصادق علیه السلام
سرخه‌ای: انجام شد

Commented [h18]:

و اسناد روایات
سرخه‌ای: نیازی به اسناد روایات نیست. زیرا با مراجعه به منابع رجال و فهرست از اصحاب بودن ایشان احراز می شود.

Commented [h19]:

قلرو، روش و منابع پژوهش، در چهار خط پیش ذکر شد، نیاز به تکرار آن نیست.

عبارت را می توان اینگونه نگاشت:

با بررسی منابع مذکور، نقش فعال احمد بن محمد بن عیسی اشعری را در انتقال کتب مؤلفان ذیل، از طریق استادش ابن ابی عمیر، شاهدیم؛ نگارندگانی که همگی از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده‌اند.

نکته بعدی، از آنجایی که بار اصلی کار بر دوش فهارس است، بهتر است در این جمله، واژه فهرست مقدم بر مشیخه شود. پاورقی های این مقاله نیز حاکی از آن است.

سرخه‌ای: عبارت اصلاح شد. ضمنا در انتهای پارگراف قبل به اینکه همگی از اصحاب امام صادق هستند تصریح شده بود

Commented [h20]:

؟؟ . تعبیر بهتری نبود؟
سرخه‌ای: عبارت اصلاح شد

Commented [h21]:

خوب است پیش از ورود در بحث، به بررسی ترجمه احمد اشعری (مانند ابن ابی عمیر) و نقش ویژه احمد اشعری در انتقال کتب حدیثی اصحاب کوفه به حوزه قم اشاره شود. گزارشی چون گزارش نجاشی در ترجمه حسن و شفاء، خیلی مناسب است:

من احمد بن محمد بن عیسی قال خرجت اى الحیث فقیه بها الحسن بن علی الزیاده فأنه ان ینخرج لی (الی) کتاب العلاء بن زین العلاء و ابان بن عثمان فأخرجهما االی قلت له: أحب ان تجزئهما االی فقال لی: یا رحمت الله و ما عملتک اذهب فاقتهما و اسع من بعد قلت: لا آمن الحدیث قال لو علمت ان هذا الحدیث یكون له هذا العلق لاسکتت منه سرخه‌ای: بسیاری هم خوب است اما حجم مقاله اجازه افزایش بیشتر از این را نمی دهد. خود شما هم در این باره تذکر داده اید

Commented [h22]:

از آنجایی که توضیحی برای اسامی ذکر نشده، به جهت صرفه جویی در کاغذ، شاید بهتر باشد که اسامی پشت سرهم ذکر شود، نه هر کدام در یک خط!
سرخه‌ای: بنده مخالفتی ندارم در صفحه آرایی هر تصمیمی که اخذ شود دوستان مختارند. خودم تلاش کردم تا دوستونی شود که فکر می کنم بهتر باشد.

با فرض پذیرش این گزارش، چند نکته آشکار می شود. نخست نقش محوری منابع مکتوب در انتقال تراث حدیثی امامیه چه مقدار بوده است؟ دوم آن که محدثان امامیه با هدف نشر احادیث به چه اندازه اهتمام ورزیده‌اند؟ سوم بزرگانی چون احمد اشعری در انتقال میراث مشایخ کوفه و بغداد به قم چه جایگاهی داشته‌اند؟ این نوشتار در پی راستی آزمایی صحت این گزارش با استناد به شواهد موجود است. بر این اساس تلاش شده است تا آثاری که احمد بن محمد بن عیسی از طریق ابن ابی عمیر از اصحاب امام صادق^(ع) روایت کرده شناسایی و تعداد تقریبی آن‌ها شمارش شود.

لازم است برای این راستی آزمایی، سه مطلب به اثبات رسد:

الف) آثار این محدثان مؤلف به دست ابن ابی عمیر رسیده است

ب) این آثار از ابن ابی عمیر به احمد بن محمد بن عیسی منتقل شده است

ج) احمد بن محمد بن عیسی آن‌ها را برای شاگردان خود روایت کرده است

برای برآورد تعداد این مؤلفان، علاوه بر مراجعه به فهرست‌ها و مشیخه‌های نگاشته شده تا قرن پنجم، از جوامع حدیثی نیز برای بررسی طرق انتقال احادیث استفاده شده است. البته مراجعه به اسناد روایات برای کشف طرق نقل و انتقال آثار که در فهارس و مشیخه‌ها گزارش نشده، صورت پذیرفته است. یادآوری این نکته ضروری است که مؤلفان گزارش شده در این نوشتار همگی با استناد به منابع رجال و فهرست از کسانی هستند که از اصحاب امام صادق^(ع) بوده‌اند.

فهرست مؤلفان

با کاوش در منبع مذکور، فهرست منابعی که احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از مؤلفان آن‌ها روایت کرده، به دست می آید. با استناد به این منابع، سه مطلب یاد شده برای درج این مجموعه در گزارش شیخ طوسی، قابل اثبات است. اسامی زیر نام مؤلفان این آثار است:

- | | |
|--|---|
| ۱. اسباط بن سالم ^۱ | ۲. بشار بن یسار ^۲ |
| ۳. بشر بن مسلمة ^۳ | ۴. جعفر بن عثمان بن شریک ^۴ |
| ۵. حبیب بن المصل ^۵ | ۶. الحسن بن زیاد العطار ^۶ |
| ۷. الحسین بن ابی حمزه ^۷ | ۸. الحسین بن احمد المنقری ^۸ |
| ۹. الحسین بن حمزه اللیثی ^۹ | ۱۰. الحسین بن عثمان الاحمسی ^{۱۰} |
| ۱۱. الحسین بن موسی الحنطاط ^{۱۱} | ۱۲. الحسین بن نعیم الصحاف ^{۱۲} |

۱ الفهرست، ۹۰، ش ۱۲۳	۵ رجال النجاشی، ص ۱۴۱، ش ۳۶۸؛
۲ رجال النجاشی، ص ۱۱۳، ش ۲۹۰؛	۶ رجال النجاشی، ص ۱۶۴، ش ۲۵۳؛
۳ رجال النجاشی، ص ۹۷، ش ۱۳۱؛	۷ رجال النجاشی، ص ۴۷، ش ۹۶؛ الفهرست، ص ۱۲۷، ش ۱۷۳؛
۴ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۲۷؛	۸ الفهرست، ص ۱۴۴، ش ۲۱۴؛
نیز، ن. ک: رجال النجاشی، ص ۱۲۴، ش ۳۲۰	۹ رجال النجاشی، ص ۵۴، ش ۱۲۱؛
۱۰ رجال النجاشی، ص ۵۴، ش ۱۲۲؛ الفهرست، ص ۱۴۳، ش ۲۱۲؛	۱۱ رجال النجاشی، ص ۴۵، ش ۹۰؛ الفهرست، ص ۱۲۷، ش ۱۷۲؛
۱۲ رجال النجاشی، ص ۵۳، ش ۱۲۰؛ الفهرست، ص ۱۴۵، ش ۲۱۶؛	

١٣. حفص بن سالم^١
١٤. حفص بن سوقه^٢
١٥. الحكم بن أيمن الحنط^٣
١٦. الحكم بن مسكين الأعمى^٤
١٧. ابواسماعيل البصرى (حماد بن زيد)^٥
١٨. حنان بن سدير الصيرفى^٦
١٩. خالد بن صبيح^٧
٢٠. خالد بن خالد^٨
٢١. داود بن زربى^٩
٢٢. داود بن سليمان ابوسليمان الحمار^{١٠}
٢٣. داود بن كثير الرقى^{١١}
٢٤. ربيع الأصم^{١٢}
٢٥. سعد بن أبى خلف^{١٣}
٢٦. سعيد بن بيان ابوحنيفه سائق الحاج^{١٤}
٢٧. سعيد بن غزوان^{١٥}
٢٨. سعيد بن مسلمة^{١٦}
٢٩. سفيان بن صالح^{١٧}
٣٠. ابو عبدالله سليم بن عمران الفراء^{١٨}
٣١. شعيب بن أعين الحداد^{١٩}
٣٢. شهاب بن عبد ربه^{٢٠}
٣٣. صالح بن رزين^{٢١}
٣٤. عباد بن صهيب^{٢٢}
٣٥. عبدالرحمن بن الحجاج البجلي^{٢٣}
٣٦. عبد الغفار بن القاسم (ابومريم الانصارى)^{٢٤}
٣٧. عبدالله بن الحجاج البجلي^{٢٥}
٣٨. عبيدالله بن على الحلبي^{٢٦}
٣٩. العلاء بن المقعد^{٢٧}
٤٠. على بن أبى حمزه البطائنى^{٢٨}
٤١. على بن الحسن الصيرفى^{٢٩}
٤٢. عمر بن اذينه^{٣٠}
٤٣. عمر بن عاصم^{٣١}
٤٤. الفضل بن يونس الكاتب^{٣٢}
٤٥. القاسم بن الفضيل^{٣٣}
٤٦. كليب بن معاويه الاسدى^{٣٤}

- ^١ الفهرست، ص ١٥٩، ش ٢٤٥
- ^٢ الفهرست، ص ١٥٩، ش ٢٤٤
- ^٣ رجال النجاشى، ١٣٧، ش ٣٥٤؛ الفهرست، ص ١٦٠، ش ٢٤٦
- ^٤ الفهرست، ص ١٦٠، ش ٢٤٧
- ^٥ الفهرست، ص ٥٣٢، ش ٨٥٩
- ^٦ الفهرست، ص ١٦٤، ش ٢٥٤
- ^٧ رجال النجاشى، ص ١٥٠، ش ٣٩٣؛ الفهرست، ص ١٧٣، ش ٢٦٧
- ^٨ الفهرست، ص ١٧٥، ش ٢٧٠
- ^٩ الفهرست، ص ١٨٢، ش ٢٨٠
- ^{١٠} الفهرست، ص ٥٣٤، ش ٨٦٦؛ نيز، ن.ك: رجال النجاشى، ص ١٦٠، ش ٤٢٣
- ^{١١} الفهرست، ص ١٨٣، ش ٢٨١
- ^{١٢} الفهرست، ص ١٩٣، ش ٢٩١
- ^{١٣} رجال النجاشى، ص ١٧٨، ش ٤٦٩
- ^{١٤} الفهرست، ص ٥٣٣، ش ٨٦٤؛ نيز، ن.ك: رجال النجاشى، ص ١٨٠، ش ٤٧٦
- ^{١٥} الفهرست، ص ٢١٩، ش ٣٢٤
- ^{١٦} رجال النجاشى، ص ١٨٢، ش ٤٨٠؛ الفهرست، ص ٢٢٠، ش ٣٢٥
- ^{١٧} رجال النجاشى، ص ١٩٠، ش ٥٠٧؛ الفهرست، ص ٢٢٩، ش ٣٢٤
- ^{١٨} الفهرست، ص ٥٣١، ش ٨٥٨
- ^{١٩} الفهرست، ص ٢٣٦، ش ٣٥٣
- ^{٢٠} رجال النجاشى، ص ١٩٦، ش ٥٢٣؛ الفهرست، ص ٢٣٧، ش ٣٥٥
- ^{٢١} الفهرست، ص ٢٤٤، ش ٣٦٠
- ^{٢٢} الفهرست، ص ٣٤٤، ش ٥٤٣
- ^{٢٣} كتاب من لايحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٤٧؛ نيز، ن.ك: رجال النجاشى، ص ٢٣٧، ش ٦٣٠؛ الفهرست، ص ٣١٠، ش ٤٧٤
- ^{٢٤} الفهرست، ص ٥٣٥، ش ٨٦٨؛ نيز، ن.ك: رجال النجاشى، ص ٢٤٦، ش ٦٤٩
- ^{٢٥} رجال النجاشى، ص ٢٢٥، ش ٥٨٩
- ^{٢٦} الفهرست، ص ٣٠٥، ش ٤٦٧
- ^{٢٧} رجال النجاشى، ص ٢٩٩، ش ٨١٢؛ الفهرست، ص ٣٢٣، ش ٥٠٢
- ^{٢٨} الفهرست، ص ٢٨٣، ش ٤١٩
- ^{٢٩} رجال النجاشى، ص ٢٧٥، ش ٧٢٣
- ^{٣٠} كتاب من لايحضره الفقيه، ج ٤، ص ٤٦٣؛ نيز، ن.ك: رجال النجاشى، ص ٢٨٣، ش ٧٥٢؛ الفهرست، ص ٣٢٤، ش ٥٠٤
- ^{٣١} الفهرست، ص ٣٢٩، ش ٥١٤
- ^{٣٢} الفهرست، ص ٣٦٣، ش ٥٦٥
- ^{٣٣} رجال النجاشى، ص ٣١٣، ش ٨٥٦
- ^{٣٤} الفهرست، ص ٣٧٧، ش ٥٨٤

۴۷. مالک بن انس الاصبیحی^۱
۴۹. محمد بن اَبی حمزه الثمالی^۳
۵۱. محمد بن حکیم^۵
۵۳. محمد بن قیس^۷
۵۵. محمد بن مارد التمیمی^۹
۵۷. محمد بن یحیی الخثعمی^{۱۱}
۵۹. منصور بن یونس بزرج^{۱۳}
۶۱. الولید بن العلاء الوصافی^{۱۵}
۶۳. یحیی اللحام الکوفی^{۱۷}
۶۵. یعقوب بن شعیب بن میثم^{۱۹}
۶۷. ابو عبدالله بن محمد^{۲۱}
۶۹. ابو محمد الخزاز^{۲۳}
۷۱. ابو محمد الواسطی^{۲۵}
۴۸. المثنی بن الحضرمی^۲
۵۰. محمد الحداد^۴
۵۲. محمد بن حمران بن اعین^۶
۵۴. محمد بن قیس البجلی^۸
۵۶. محمد بن میسر^{۱۰}
۵۸. معاویه بن میسر بن شریح^{۱۲}
۶۰. مهران بن محمد بن اَبی نصر^{۱۴}
۶۲. هشام بن الحکم^{۱۶}
۶۴. یعقوب السراج^{۱۸}
۶۶. یونس بن یعقوب البجلی^{۲۰}
۶۸. ابومالک الجهنی^{۲۲}
۷۰. ابو محمد الفزاری^{۲۴}
۷۲. ابو یحیی الحنظلی^{۲۶}

فهرست فوق، اسامی ۷۲ مؤلفی است که روایت آثار ایشان از سوی احمد بن محمد بن عیسی از ابن اَبی عمیر در فهارس و مشیخه کتاب من لایحضره الفقیه، آمده و سه گام مورد نظر برای درج نام ایشان در گزارش شیخ طوسی، برداشته شده است. این تعداد هنوز با روایت ۱۰۰ منبع که در الفهرست آمده بود، فاصله دارد. بنابراین لازم است پس از مراجعه به کتب فهارس، برای بررسی درستی عبارت شیخ طوسی، دیگر شواهد موجود نیز مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند.

- ^۱ الفهرست، ص ۴۷۰، ش ۷۵۲
- ^۲ رجال النجاشی، ص ۴۱۴، ش ۱۱۰۴؛ الفهرست، ص ۴۶۸، ش ۷۴۹
- ^۳ رجال النجاشی، ص ۳۵۸، ش ۹۶۱؛ الفهرست، ص ۴۱۹، ش ۶۴۲
- ^۴ رجال النجاشی، ص ۳۵۸، ش ۹۶۰
- ^۵ الفهرست، ص ۴۲۱، ش ۶۴۸. احتمالاً وی همان الخثعمی است. ن.ک: رجال النجاشی، ص ۳۵۷، ش ۹۵۷؛ رجال الطوسی، ص ۲۸۰، ش ۴۰۵۵؛ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۸۹؛ رجال النجاشی، ص ۴۱۸، ش ۶۳۸
- ^۶ الفهرست، ص ۴۲۰، ش ۶۴۵
- ^۷ الفهرست، ص ۳۸۶، ش ۵۹۲
- ^۸ الفهرست، ص ۵۰۸، ش ۸۰۸
- ^۹ الفهرست، ص ۴۲۱، ش ۶۴۷
- ^{۱۰} رجال النجاشی، ص ۳۶۸، ش ۹۹۷؛ الفهرست، ص ۴۲۰، ش ۶۴۴
- ^{۱۱} الفهرست، ص ۴۱۹، ش ۶۴۳
- ^{۱۲} رجال النجاشی، ص ۴۱۰، ش ۱۰۹۳؛ الفهرست، ص ۴۶۴، ش ۷۳۹
- ^{۱۳} الفهرست، ص ۴۵۹، ش ۷۳۱
- ^{۱۴} رجال النجاشی، ص ۴۲۳، ش ۱۱۳۵
- ^{۱۵} رجال النجاشی، ص ۴۳۲، ش ۱۱۶۲؛ الفهرست، ص ۴۸۹، ش ۷۸۱
- ^{۱۶} کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۷؛ نیز، ن.ک: رجال النجاشی، ص ۴۳۳، ش ۱۱۶۴؛ الفهرست، ص ۴۹۴، ش ۷۸۳
- ^{۱۷} الفهرست، ص ۵۰۳، ش ۷۹۵
- ^{۱۸} الفهرست، ص ۵۰۸، ش ۸۰۸
- ^{۱۹} رجال النجاشی، ص ۴۵۰، ش ۱۲۱۶
- ^{۲۰} الفهرست، ص ۵۱۲، ش ۸۱۴
- ^{۲۱} الفهرست، ص ۵۳۲، ش ۸۶۱
- ^{۲۲} رجال النجاشی، ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۵، ص ۵۳۲، ش ۸۶۰
- ^{۲۳} رجال النجاشی، ص ۴۶۱، ش ۱۲۶۶
- ^{۲۴} الفهرست، ص ۵۳۳، ش ۸۶۳
- ^{۲۵} الفهرست، ص ۵۳۴، ش ۸۶۷
- ^{۲۶} الفهرست، ص ۵۳۵، ش ۸۶۹

فهرست دیگر مؤلفان

پیش از ادامه پیگیری راستی آزمایی قول شیخ طوسی، در این بخش از پژوهش ناگزیر باید نکاتی بیان گردد. چنانچه پیشتر گفته آمد، کتابت احادیث در میان اصحاب امامیه در عصر صادقین^(ع) به دوران شکوفایی خویش رسیده بود. به عبارت دیگر در این دوره کتابت حدیث برای صیانت از اقوال ائمه^(ع) به فرهنگ عمومی میان روایان بدل گشت. گسترده‌گی نگارش احادیث سبب شد، به جای روایت شفاهی و سینه به سینه، گزارش آن‌ها به شکل مکتوب مبنای نقل و انتقال آن‌ها در میان محدثان شود.

اصحاب برای حفظ این مکتوبات از سویی و به دلیل درخواست طالبان علم از ایشان، آن‌ها را در اختیار شاگردان و محدثان دیگر قرار می‌دادند. این شیوه از نقل و انتقال به دلایل مختلف مانند اطمینان از برابری نسخه اصل با متن استنساخ شده، مستلزم سماع و قرانت بود که البته برخی طرق دیگر تحمل حدیث^۱ نیز به آن‌ها افزوده شد.

محدثانی که در دوره‌های بعد منابع حدیثی را با استفاده از این روش به دست آورده بودند، در هنگام نگارش آثار حدیثی، متعهد بودند که در شیوه استناددهی به منابع، نام روایان نسخ و پدیدآورنده منبع را نیز یادآور شوند؛ بنابراین سلسله اسناد موجود در ابتدای احادیث، مشتمل بر اسامی افراد دخیل در نقل و انتقال احادیث است. شیوه‌ای که در بین محدثان متقدم رواج داشت.

در این میان برخی از منابع به علل مختلف در سیر انتقال آثار به شهرت رسیده و با استقبال محدثان مواجه می‌شدند. از این رو روایان و نسخ آن فراوان و طرق انتقال منبع از مؤلف به دیگران متعدد می‌گردید.

با توجه به این نکات، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که چه بسا بررسی اسناد موجود در ابتدای احادیثی که در جوامع و منابع حدیثی موجود آمده، بتواند ما را به یکی از آثار روایت شده از سوی ابن ابی عمیر به احمد اشعری، رهنمون گردد. به عبارت دیگر آن سند، طریقی به یک اثر از آثاری باشد که ابن ابی عمیر در انتقال آن به دیگران نقش ایفاء نموده؛ اما گزارشی از آن در فهرس نیامده است.

حال گوئیم با مراجعه به سلسله اسناد روایات می‌توان به اسامی روایانی از اصحاب امام صادق^(ع) دست یافت که روایات ایشان به واسطه ابن ابی عمیر به احمد بن محمد بن عیسی منتقل شده است. ابن ابی عمیر گاه این روایات را بدون واسطه و گاه با واسطه از این افراد روایت کرده است. اگر محدث یاد شده براساس مستندات برجای مانده، از اصحاب امام صادق^(ع) و مؤلف کتاب باشد می‌توان به احتمال، وی را نیز در شمار یکی از ۱۰۰ مؤلفی که در گزارش شیخ طوسی آمده، جای داد.

در این صورت محتمل است با استناد به فهرس موجود، بتوان روایت یک کتاب از سوی ابن ابی عمیر را اثبات کرد یا نتوان گزارشی از آن به دست آورد. از سوی دیگر در بررسی شهرت یک اثر ممکن است شواهدی از اشتهار به دست آید یا قرینه‌ای برای شهرت آن در اختیار نباشد. از ترکیب این حالات می‌توان منابع را در چهار دسته زیر جای داد.

الف) روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر گزارش شده و کتاب شهرت نیز داشته است.

ب) روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر گزارش شده؛ اما شواهدی بر شهرت کتاب نداریم.

ج) روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر گزارش نشده؛ اما کتاب شهرت داشته است.

Commented [h۲۲]:

از اینجا به پایین تا ابتدای گروه الف، کمی با اغلاق مواجه هستیم. بهتر است بازنویسی شود. سرخه‌ای: موافقم عبارات اصلاح شد

^۱ ن.ک: رسائل فی درایة الحدیث، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۴۱.

مکتوب (تا قرن پنجم هجری)؛ محمود ملکی، بازپژوهی منابع الکافی (بخش الاصول)؛ عبدالرضا حمادی و سید علیرضا حسینی، بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی.

^۱ ن.ک: سید محمد عمادی حائری، بازسازی متون کهن حدیث شیعه؛ احسان سرخه‌ای، اعتبار سنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع

Commented [h۲۴]:

پس تصریح فهرست نگاران چه؟
پرویه عنه جماعه و...
سرخه‌ای: دلیل اول ناظر به همین مطلب است که گفته شد: گزارش «عدة من اصحابنا» و مانند آنند

Commented [h۲۵]:

فهم این عبارت خیلی سخت است.
سرخه‌ای: عبارت اصلاح شد

Commented [h۲۶]:

از ابن ابی عمیر به احمد اشعری و پس از وی، به دیگران (همانگونه که در ابتدای مقاله نگاشته اید و آن را سومین مطلب قلمداد کرده اید).
توضیح بیشتر:

در عبارت شیخ طوسی آمده: «و روی عنه احمد بن محمد بن عیسی کتب مانده رجل...» یعنی صرف اثبات رسیدن کتاب از ابن ابی عمیر به احمد اشعری کافی نیست، بلکه باید شاهد روایت کتاب از سوی احمد اشعری به شاگردانش باشیم؛ نکته ای که در دسته های چهارگانه شاهد آن نیستیم و مؤلف، از قول و وعده خویش، تخطی کرده است.

سرخه ای: به نظر می‌رسد در گروه الف با فرض روایت ابن ابی عمیر با استناد به فهرست از یکسو و اشتها اثر از سوی دیگر وجود گزارش‌های متعدد در اسناد از روایت احمد از ابن ابی عمیر، انتقال آن به دیگران نیز ثابت خواهد شد. تنها اشکال کار فقدان روایت احمد از ابن ابی عمیر در فهرست است که پاسخی درخور دارد. و آن عدم گزارش این انتقال از سوی منابعی است که شیخ و نجاشی برای نگارش دو فهرست خود به آن استناد کرده‌اند.

در گروه‌های بعدی نیز با اندکی تفاوت و با اتکا به سلسله اسناد تا حدودی مشکل مرتفع خواهد شد

Commented [h۲۷]:

برای اثبات این مطلب، به عنوان قرینه صحت، می‌توان به همان گزارش نجاشی درباره رابطه احمد اشعری و حسن و شفاء استناد کرد.
توضیح: در گزارش آمده که احمد اشعری کتاب علاء به رزین را از حسن بن علی و شفاء اخذ کرد ولی در اسناد روایات، هیچگاه نام و شفاء را بین احمد اشعری و علاء نمی‌بینیم. (توضیح دهید)
سرخه‌ای: در پاورقی ارجاع شد اما به دلیل حجم مقاله ظاهراً نتوان در متن توضیح داد.

Commented [h۲۸]:

شماره ۲۰.
سرخه‌ای: عبارت اصلاح شد

د) روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر گزارش نشده و شاهدهی نیز بر شهرت کتاب نداریم.

بنابراین لازم است این حالات مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر یا شهرت اثر این ظرفیت را دارد که شاهدهی برای روایت آن از سوی احمد اشعری تلقی شود. در دو حالت اخیر اگر گزارش احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از فردی به گستردگی در اسناد احادیث انعکاس یافته باشد، احتمال روایت کتاب وی از سوی ابن دو، قابل طرح است. البته مشروط بر آنکه مؤلف بودن آن فرد در فهرست به اثبات رسیده باشد.

برای کسب اطلاع از اشتها اثر می‌توان به یکی از دو دلیل زیر استناد کرد:

۱- در کتب فهرست به گزارش «پرویه عنه جماعه» و مانند آن از ابن ابی عمیر یا از مشایخ یکی دو طبقه بعدی تصریح شده باشد.

۲- تعدد طرق ارائه شده در فهرست و مشیخه‌ها که نشان دهنده روایت یک اثر از سوی افراد متعدد است.

البته شهرت می‌تواند نشانه اعتماد محدثان و اعتبار و درستی نسبی اخبار موجود در کتاب نیز باشد. حال ضروری است اسامی راویان مؤلفی که در هر یک از این چهار دسته قرار می‌گیرد، مورد واکاوی قرار گیرد:

گروه الف)

این دسته به راویان مؤلفی اختصاص یافته که گزارشی از آثار و روایت ابن ابی عمیر از ایشان در فهرست موجود بوده و شاهدهی بر اشتها آن‌ها در دست است، اما از روایت این آثار از سوی احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر در فهرست، اطلاعی در دست نیست.

حال که نام ابن ابی عمیر به عنوان راوی کتاب در یکی از کتب فهرست ذکر شده، نیمی از آنچه برای رسیدن به مقصود، یعنی احراز نقل احمد اشعری از ابن ابی عمیر، حاصل شده است. بر این اساس، پس از آن ضروری است احتمال گزارش این اثر از ابن ابی عمیر به احمد بن محمد بن عیسی مورد بررسی قرار گیرد.

از میان آثاری که ابن ابی عمیر راوی آن‌ها بوده کتاب‌هایی وجود دارد که در نقل و انتقال منابع حدیثی میان اصحاب و در بازه زمانی حضور مؤلف یا مدت زمانی کوتاه پس از حیات مؤلف، به شهرت رسیده‌اند. بنابراین کتاب به دست افراد مختلف رسیده و از سوی راویان متعدد گزارش شده است.

یکی از راویان مهم حاضر در طبقه بعد از ابن ابی عمیر و از برجسته‌ترین شاگردان وی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری است. با توجه به شخصیت احمد بن محمد بن عیسی در گزارش کتب و روایت آن‌ها، می‌توان این حدس را مطرح کرد که اگر کتابی به دست ابن ابی عمیر رسیده و در عصر خود شهرت نیز یافته، به صورت طبیعی از ابن ابی عمیر به دست احمد اشعری نیز رسیده است.

حال اگر اسناد احادیث نیز براساس آنچه پیشتر در باره ارتباط روایت منابع با شیوه گزارش اسناد گذشت، حاکی از دسترسی و روایت کتاب از سوی احمد بن عیسی باشد، می‌توان این احتمال را تحقق یافته دانست. در فهرست زیر برای اثبات اشتها اثر به اختصار به یکی از دو روش یادشده اشاره شده است

راویان این گروه عبارت‌اند از:

۱. ابراهیم بن عبد الحمید

۱ برای نمونه، ن: ک: رجال النجاشی، ص ۳۹،

Commented [h39]:

یعنی چه؟

در ضمن، به تعداد هم اشاره شود. مثل دو مورد پیش و پس سرخه‌ای: یعنی علیرغم آنکه شیخ طوسی ابن ابی عمیر را راوی بدون واسطه از اسحاق بن عمار دانسته ولی بررسی اسناد روایات این مطلب را تأیید نمی‌کند زیرا در همه آن‌ها فردی میان ابن ابی عمیر و اسحاق واسطه شده است. روایات احمد از ابن ابی عمیر از اسحاق نیز از همین قبیل است البته با توجه به ابهام موجود که در پرسش شما انعکاس یافته عبارت اصلاح شد

دلیل اشتها: «له کتاب نوادر یرویه عنه جماعة»^۱.

نجاشی آن کتاب را از طریق جعفر بن عبدالله المحمدی از ابن ابی عمیر از مؤلف گزارش کرده است.^۲ تنها یک روایت در منابع حدیثی از طریق احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از این راوی در دسترس قرار دارد.^۳

۲. ابراهیم بن عثمان/ عیسی (ابویوب الخراز)

دلیل اشتها: «له کتاب نوادر کثیر الرواة عنه»^۴.

کتاب نوادر از دو طریق مختلف به شیخ طوسی و نجاشی گزارش شده است که نام ابن ابی عمیر در طریق شیخ طوسی دیده می‌شود. شیخ طوسی کتاب را از طریق محمد بن الحسین بن ابی الخطاب از محمد بن ابی عمیر و صفوان از مؤلف روایت کرده است.^۵ از روایات بدون واسطه احمد اشعری از ابن ابی عمیر از خزاز، تنها دو گزارش برجای مانده است.^۶

۳. اسحاق بن عمار الصیرفی

دلیل اشتها: «له کتاب نوادیریویه عنه عدة من أصحابنا»^۷.

شیخ طوسی اصل او را مورد اعتماد دانسته و آن را به واسطه ابن ابی الخطاب از ابن ابی عمیر از مؤلف گزارش کرده است.^۸ علیرغم آنکه شیخ طوسی ابن ابی عمیر را راوی بدون واسطه از اسحاق بن عمار معرفی نموده، بررسی اسناد روایات این مطلب را تأیید نمی‌کند؛ زیرا در بیشتر آن‌ها یک راوی دیگر میان ابن ابی عمیر و اسحاق واسطه شده است. روایات احمد اشعری از ابن ابی عمیر از اسحاق بن عمار نیز از همین قبیل است.^۹

۴. جمیل بن دراج

دلیل اشتها: «له کتاب رواه عنه جماعات من الناس و طرقه کثیرة»^{۱۰}.

نجاشی این کتاب را از طریق ابن فضال از ایوب بن نوح از ابن ابی عمیر از مؤلف و شیخ طوسی^{۱۱} آن را از طریق صفار از یعقوب بن یزید از ابن ابی عمیر و صفوان از مؤلف روایت کرده‌اند. روایات متعددی از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر از جمیل بن دراج گزارش شده است.^{۱۲}

۵. جمیل بن صالح الاسدی

دلیل اشتها: «أكثر ما یری منه نسخة رواية الحسن بن محبوب أو محمد بن ابی عمیر»^{۱۳} و «عن غیر واحد، عن جمیل بن صالح»^{۱۴}.

نجاشی با اشاره به روایت کتاب از سوی قمیان و کوفیان، سه طریق به آن را معرفی کرده است. در طریق دوم نام ابن نهیک از ابن ابی عمیر از مؤلف و در طریق سوم نام احمد اشعری از علی بن حدید از مؤلف دیده می‌شود. نجاشی نسخه‌های

^۱ رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۷

^۲ رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۷

^۳ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۵۵، ح ۳۲

^۴ رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۵

^۵ الفهرست، ص ۱۸، ش ۱۳

^۶ ن. ک: الکافی، ج ۸، ص ۳۰۵، ح ۴۷۳؛

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۰، ح ۱.

^۷ رجال النجاشی، ص ۷۱، ش ۱۶۹

^۸ الفهرست، ص ۳۹، ش ۱۶۹

^۹ برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۴، ص ۴۴، ح ۳،

ص ۱۷۳، ح ۱۷، ج ۵، ص ۲۳۸، ح ۳؛

تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۹۰، ح ۳۱.

^{۱۰} رجال النجاشی، ص ۱۲۶، ش ۳۲۸

^{۱۱} الفهرست، ص ۱۱۴، ش ۱۵۴

^{۱۲} برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۱، ص ۲۷۹،

ح ۴، ص ۴۶، ح ۲۲، ج ۲، ص ۳۸، ح ۶، ج ۳،

ص ۴۶، ح ۴، ص ۵۵۷، ح ۱، ج ۵، ص ۲۲۹،

ح ۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۱۳،

ج ۵، ص ۱۶۶، ح ۷۸، ج ۷، ص ۲۶، ح ۲۷،

ج ۹، ص ۲۷۷، ح ۱۴.

^{۱۳} رجال النجاشی، ص ۱۲۷، ش ۳۲۹

^{۱۴} الفهرست، ص ۱۱۴، ش ۱۵۵

Commented [h30]:

تعبیر علمی و جالبی نیست. بفرمایید محمد بن خالد برقی یا محمد برقی. اصلاح در دیگر جاهای مقاله نیز رعایت شود. سرخه‌ای: عبارت اصلاح شد

Commented [h31]:

این جمله کمی مغلق است. سرخه‌ای: عبارت اصلاح شد

Commented [h32]:

شاید بهتر باشد تفکیکی در روایان گروه الف صورت پذیرد. روایانی که احمد در اسناد روایاتشان هست و روایانی که احمد را در اسناد روایاتشان نمی بینیم. در این صورت، این مورد و موارد بعدی هم سنج، در دسته دیگر و پشت سر هم آورده می شود. سرخه‌ای: به نکته دقیقی اشاره فرمودید که مورد توجه ما هم بوده است. اما این نکته را در انتها و در جمع بندی بند الف مد نظر قرار دادیم. یعنی در آخرین پارگراف ص ۱۶ گفته شد با ملاحظه وجود همزمان احمد و ابن ابی عمیر و مؤلف در اسناد فراوان گزارش تنها ۶ اثر را می توانیم به کمکت دو شاهد دیگر یعنی شهرت و گزارش فهارس بپذیریم.

اما نویسنده دوم مقاله اصرار داشت که نیازی به استناد به کثرت روایات نیست به همین خاطر بر اساس مبنای ایشان احتمال دیگری را در ص ۱۷ مطرح کردیم که به واسطه شهرت، کتاب به دست احمد رسیده اما به دلیل امکان دستیابی محدثان به نسخ مختلف نسخه روایت شده از سوی احمد را روایت نکرده و از سایر نسخ استفاده کرده اند

برای نمونه عکس نجاشی در باره کتب حسین بن سعید می گوید نسخه‌های فراوانی از آن در دست است اما نسخه احمد اشهر است

به عبارت دیگر ممکن است نسخه‌های گزارش شده از سوی احمد در اولویت چندم قرار گرفته و نسخه‌هایی برتر از آن در دسترس محدثان قرار گرفته لذا از نسخه احمد صرف نظر کرده باشند.

روایت شده از سوی ابن محبوب و ابن ابی عمیر را مشهورتر دانسته است.^۱ روایات متعددی از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر از جمیل بن صالح گزارش شده است.^۲

۶. الحارث بن المغیره

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه عدة من أصحابنا».^۳

شیخ صدوق در معرفی طریقتش به حارث بن مغیره آن را به واسطه محمد بن خالد برقی از یونس بن عبدالرحمن و ابن ابی عمیر از مؤلف، روایت کرده است.^۴ در هیچ سندی، روایت احمد از ابن ابی عمیر بدون واسطه از حارث مشاهده نمی شود. شیخ صدوق تنها یک خبر^۵ را در فقیه از حارث آورده است. به نظر می رسد برای اثبات روایت بدون واسطه کتاب حارث از سوی ابن ابی عمیر نمی توان تنها به این طریق بسنده نمود.

۷. الحسین بن زید ذو الدمه

دلیل اشتها: «کتابه یختلف (یختلف) الروایة له».^۶

عبارت فوق از نجاشی در باره طرق و نسخه‌های کتاب، اگر چه به اختلاف نسخ اشاره دارد؛ ولی تعدد نسخه‌ها خود گواه بر تعدد روایان و بیانگر شهرت کتاب است. در هیچ یک از طرق نجاشی و شیخ طوسی نام ابن ابی عمیر دیده نمی شود؛ اما شیخ صدوق در ارائه طریق خود به این مؤلف، از روایت ایوب بن نوح از ابن ابی عمیر خبر داده است.^۷ هیچ روایتی از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از حسین بن زید در کتب الکافی، تهذیب و دیگر آثار شیخ صدوق وجود ندارد. جز طریق فوق گزارشی از روایت ابن ابی عمیر از این مؤلف نیز در دست نیست. شیخ صدوق خود نیز در فقیه، دو خبر^۸ را بدون واسطه از حسین بن زید روایت کرده و در خبری دیگر آورده است: «روی محمد بن زیاد عن الحسین بن زید».^۹

با توجه به شیوه شیخ صدوق در مشیخه که گاه طریق خود را به افراد، با واسطه دیگر منابع ارائه نموده، احتمال نقل این احادیث از منبعی دیگر منتفی نیست. این برداشت با توجه به کوفی بودن دو طریق ارائه شده از سوی نجاشی و شیخ طوسی تقویت می شود. زیرا می تواند نشان دهنده عدم دسترسی مشایخ قم به این اثر یا عدم روایت این اثر از سوی ایشان، باشد.

۸. حفص بن البختری

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه عنه جماعة منهم محمد بن ابی عمیر».^{۱۰}

روایات اندکی از طریق احمد از ابن ابی عمیر به حفص برجای مانده است.^{۱۱}

۹. الحکم بن حکیم الصیرفی

دلیل اشتها: طرق متعدد ارائه شده از سوی نجاشی^{۱۲} و شیخ طوسی.^{۱۳}

نجاشی و شیخ طوسی در برخی از طرق، کتاب این مؤلف را به واسطه محمد بن خالد برقی از ابن ابی عمیر روایت کرده‌اند.

هیچ روایتی از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از حکم در کتب اربعه و آثار صدوق مشاهده نمی شود.

^۱ رجال النجاشی، ص ۱۲۷، ش ۳۲۹

^۲ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۵

^۳ برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۳۸، ح ۱

^۴ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۴۲

ج ۴، ص ۴۰۸، ح ۹، ج ۵، ص ۲۲۹، ح ۵

^۵ رجال النجاشی، ص ۵۲، ش ۱۱۵

تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۱۰۶، ح ۱۴، ج ۶

^۶ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۱

ص ۳۷۵، ح ۲۱۳

^۷ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۳

^۸ رجال النجاشی، ص ۱۳۹، ش ۳۶۱

^۸ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۳

ج ۳، ص ۲۹۶

^۹ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۲

^{۱۰} رجال النجاشی، ص ۱۳۴، ش ۳۴۴

^{۱۱} برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۲، ص ۴۷۴

ج ۲، ص ۴، ح ۴۴۵

^{۱۲} رجال النجاشی، ص ۱۳۷، ش ۳۵۳

^{۱۳} الفهرست، ص ۱۶۰، ش ۲۴۸

۱۰. حماد بن عثمان التاب

دلیل اشتهار: «روی عنه جماعة»^۱.

وجود طرق متعدد به کتاب وی نیز شهرت آن را تثبیت می‌کند. در یکی از طرق شیخ طوسی به کتاب حماد، روایت حسن بن علی بن فضال از ابن ابی عمیر از مؤلف، آمده است.^۲ روایات بسیاری از احمد از ابن ابی عمیر از حماد در منابع دیده می‌شود.^۳

۱۱. حمزة بن حمران

دلیل اشتهار: «له كتاب يرويه عدة من أصحابنا»^۴.

در طرق نجاشی و شیخ طوسی به این کتاب، نام ابن ابی عمیر نیامده؛ اما شیخ صدوق در تبیین طریق خود به مؤلف، آن را از یعقوب بن یزید از ابن ابی عمیر، روایت کرده است.^۵

تنها یک روایت از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از حمزه بن حمران در گزارش منابع آمده است.^۶ شیخ صدوق نیز در فقیه چهار خبر^۷ را از حمزة بن حمران روایت کرده که در آخرین مورد آن‌ها آمده است: «روی حمزة بن حمران بإسناد...». این تعبیر احتمال دسترسی شیخ صدوق به اثر وی را تقویت می‌نماید.

۱۲. حمید بن المثنی العجلی

دلیل اشتهار: تعدد طرق به کتاب حمید بن المثنی.^۸

در طریق شیخ طوسی، کتاب را یعقوب بن یزید و ابن ابی الخطاب از ابن ابی عمیر و صفوان از مؤلف روایت کرده‌اند. با مراجعه به منابع حدیثی می‌توان به سه روایت دست یافت که احمد اشعری از ابن ابی عمیر از حمید، آن‌ها را روایت کرده است.^۹

۱۳. خلاد السدی البزاز

دلیل اشتهار: «له كتاب يرويه عدة منهم ابن ابی عمیر»^{۱۰}.

نام وی در برخی گزارش‌ها، خلاد السندی آمده است.^{۱۱} در طرق نجاشی و شیخ طوسی به کتاب، نام یحیی بن زکریا و محمد بن مفضل بن ابراهیم الأشعری از ابن ابی عمیر از مؤلف آمده است.^{۱۲} روایات اندکی از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از خلاد نقل شده است.^{۱۳}

۱۴. ذریح بن محمد المحاربی

^۱ رجال النجاشی، ص ۱۴۳، ش ۳۷۱	^۴ رجال النجاشی، ص ۱۴۰، ش ۳۴۵	^۷ برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۵، ص ۲۲۱
^۲ الفهرست، ص ۱۵۶، ش ۲۴۰	^۵ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۲	ح ۷؛ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۶، ح ۸۸، ج ۷، ص ۳۰۹، ح ۴۰، ج ۸، ص ۱۰۵، ح ۴
^۳ برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۴۸، ح ۵، ص ۴۴۱، ج ۲، ص ۷۶، ح ۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۲۴، ح ۲۶، ص ۱۵۰، ح ۱۱۹؛ التوحید، ج ۱، ص ۳۸۹، ح ۱۱۹؛ الخصال، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۲۶۲، ص ۲۳۵، ح ۷۵؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۱، ج ۲، ص ۳۹۶، ح ۵	^۶ الخصال، ج ۱، ص ۱۴، ح ۴۸	^{۱۰} رجال النجاشی، ص ۱۵۴، ش ۴۰۵
	^۸ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۱۷، ص ۵۸۴، ج ۳، ص ۲۲۲، ص ۴۸۲، ص ۵۳۳	^{۱۱} الفهرست، ص ۱۷۵، ش ۲۷۱
	^۹ ن. ک: الفهرست، ص ۱۵۴، ش ۲۳۶؛ رجال النجاشی، ص ۱۳۳، ش ۳۴۰	^{۱۲} رجال النجاشی، ص ۱۵۴، ش ۴۰۵؛ الفهرست، ص ۱۷۵، ش ۲۷۱
		^{۱۳} ن. ک: تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۳۷۸، ج ۹، ص ۳۸۷، ح ۴

دلیل اشتها: «له كتاب. يرويه عدة من أصحابنا»^۱.

تعدد طرق به کتاب نیز این شهرت را تقویت می‌کند. شیخ طوسی کتاب را از طریق ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از مؤلف گزارش کرده است.^۲ در هیچ سندی روایت احمد از ابن ابی عمیر از ذریح دیده نمی‌شود.

۱۵. ربیع بن عبدالله بن الجارود

دلیل اشتها: «له كتاب رواه عنه عدة من أصحابنا»^۳.

شیخ طوسی پس از ارائه دو طریق گفته است: «و رواه ابن ابی عمیر عن ربیع بن عبدالله»^۴. از طریق نخست شیخ طوسی چنین برمی‌آید که احمد بن محمد بن عیسی این اثر را به واسطه حسین بن سعید از حماد از ربیع روایت کرده است. با بررسی اسناد برجای مانده در منابع حدیثی نیز گزارشی از روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از ربیع به چشم نمی‌خورد.

۱۶. رفاعه بن موسی النخاس

دلیل اشتها: تعدد طرق ارائه شده از سوی نجاشی و شیخ طوسی.^۵

شیخ طوسی در یکی از طرق، کتاب رفاعه را به واسطه یعقوب بن یزید و محمد بن الحسن از محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از رفاعه، گزارش کرده است. شیخ طوسی، طریق دوم خود را به روایت احمد اشعری از بزنی از ابن فضال از رفاعه، اختصاص داده است. روایتی از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از رفاعه در دست نیست.

۱۷. زید النرسی

دلیل اشتها: «له كتاب يرويه جماعة»^۶.

نجاشی کتاب زید را به واسطه ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از زید النرسی، گزارش کرده است. در هیچ سندی روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از زید النرسی، دیده نمی‌شود.

۱۸. سلیم الفراء

دلیل اشتها: «له كتاب يرويه جماعة منهم محمد بن ابی عمیر»^۷.

دو روایت از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از سلیم در منابع حدیثی در دسترس قرار دارد.^۸

۱۹. شعیب بن یعقوب العرقوفی

دلیل اشتها: «له كتاب يرويه حماد بن عیسی و غیره»^۹.

در دو طریق شیخ طوسی به کتاب شعیب، روایت ابراهیم بن هاشم و یعقوب بن یزید و علی بن السندی از حماد بن عیسی و ابن ابی عمیر از مؤلف، آمده است.^{۱۰} همچنین از بررسی راویان از شعیب می‌توان حدس زد که صفوان نیز دیگر راوی کتاب شعیب است. گزارشی از روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از شعیب بن یعقوب به دست نیامد.^{۱۱}

۲۰. صفوان بن مهران الجمال

^{۱۱} سند موجود در تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۵، مردود بوده و ممکن است منظور از احمد بن محمد، برقی باشد. همچنین احتمال دارد منظور از شعیب، شعیب بن أعین باشد.

^۱ رجال النجاشی، ص ۱۷۴، ش ۴۶۰

^۱ رجال النجاشی، ص ۱۶۳، ش ۴۳۱

^۲ رجال النجاشی، ص ۱۹۳، ش ۵۱۶

^۲ الفهرست، ص ۱۸۹، ش ۲۷۹

^۳ الکافی، ج ۲، ص ۵۲۳، ح ۶، ج ۶، ص ۴۹۳

^۳ رجال النجاشی، ص ۱۶۷، ش ۴۴۱

ح ۱

^۴ الفهرست، ص ۱۹۵، ش ۲۹۴

^۴ رجال النجاشی، ص ۱۹۵، ش ۵۲۰

^۵ ن: ک: رجال النجاشی، ص ۱۶۶، ش ۴۳۸

^۶ الفهرست، ص ۲۳۵، ش ۳۵۱

الفهرست، ص ۱۹۶، ش ۲۹۶

Commented [h۳۲]:

یعنی در این روایت، احمد اشعری نقش آفرین است؟
ظاهراً نه اینگونه است.
سرخه‌ای: عبارت اصلاح شد

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعه»^۱.

در طریق ارائه شده از سوی شیخ صدوق^۲، این کتاب به واسطه ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از مؤلف، روایت شده است. حدیثی از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر از صفوان در دست نیست.

۲۱. عبدالله بن ابی‌یعفور

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه عنه عدة من أصحابنا»^۳.

در طریق شیخ صدوق^۴ روایت محمد بن خالد برقی از ابن ابی عمیر از حماد بن عثمان از ابن ابی‌یعفور، مشاهده می‌شود. در هیچیک از اسناد، همزمان نام احمد بن محمد، ابن ابی عمیر و ابن ابی‌یعفور، نیامده است.

۲۲. عبدالله بن سنان

دلیل اشتها: «روی هذه الكتب عنه جماعات من أصحابنا»^۵.

شیخ طوسی تنها یک اثر به ابن سنان نسبت داده و در معرفی طریق خود به این اثر، آن را از یعقوب بن یزید و محمد بن ابن ابی الخطاب از محمد بن ابی عمیر از ابن سنان، روایت کرده است.^۶ در سند دو روایت، نام احمد از ابن ابی عمیر از عبدالله بن سنان آمده است.^۷

۲۳. عبدالله بن مسکان

دلیل اشتها: تعدد طرق شیخ صدوق و نجاشی و شیخ طوسی.^۸

شیخ طوسی در طریق به کتاب آورده است: «رویناه بالاسناد الأول عن ابی عمیر و صفوان جمیعاً عنه»^۹. چند گزارش از روایت احمد از ابن ابی عمیر از عبدالله بن مسکان در دست است.^{۱۰}

۲۴. عمر بن یزید بیاع السابری

دلیل اشتها: گوناگونی طرق ارائه شده در فهرس و تعدد راویان کتاب.

محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی، الحسین بن عمر بن یزید، محمد بن عباس، محمد بن عذافر و محمد بن عبد الحمید، همگی راوی کتاب عمر بن یزید بوده‌اند.^{۱۱} شیخ صدوق یکی از سه طریق خود به عمر بن یزید را به واسطه یعقوب بن یزید از محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی از مؤلف،^{۱۲} ارائه داده است.

تنها در کتاب امالی شیخ مفید^{۱۳} گزارش بدون واسطه احمد اشعری از ابن ابی عمیر از عمر بن یزید آمده است. این سند با گزارش کشی^{۱۴} از همین خیر که ابراهیم بن عبد الحمید در میان ابن ابی عمیر و عمر بن یزید قرار دارد، ناهماهنگ است.

^۱ رجال النجاشی، ص ۱۹۸، ش ۵۲۵

^۲ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۶

^۳ رجال النجاشی، ص ۲۱۳، ش ۵۵۶

^۴ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۸

^۵ رجال النجاشی، ص ۲۱۴، ش ۵۵۸

^۶ الفهرست، ص ۲۹۱، ش ۴۳۴

^۷ الکافی، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۶؛ در سند موجود

در الخصال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۲۹، احتمال

افتادگی نام حسین بن سعید بسیار زیاد است.

^۸ ن. ک: رجال النجاشی، ص ۲۱۴، ش ۵۵۹

الفهرست، ص ۲۹۴، ش ۴۴۱؛ کتاب من

لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۶۱

^۹ الفهرست، ص ۲۹۴، ش ۴۴۱

^{۱۰} الکافی، ج ۳، ص ۵۰۴، ح ۱۰؛

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۱۰، ح ۴، ج ۹،

ص ۲۹۵، ح ۱۶

^{۱۱} ن. ک: رجال النجاشی، ص ۲۸۳، ش ۷۵۱؛

الفهرست، ص ۳۲۴، ش ۵۰۳؛ کتاب من

لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۵

^{۱۲} کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۵

^{۱۳} الأمالی، الشیخ المفید، ص ۱۳۶.

^{۱۴} اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۷۲

۲۵. معاویه بن عمار الدهنی

دلیل اشتها: «رواه عنه جماعة كثيرة من أصحابنا و نحن ذاکرون بعض طرقهم»^۱.

کتاب الحج معاویه بن عمار از منابع بسیار مشهور است. نجاشی این کتاب را از طریق جعفر بن عبدالله المحمدی از ابن ابی عمیر از معاویه، گزارش کرده است. در روایات معدودی نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و معاویه دیده می‌شود.^۲

۲۶. معاویه بن وهب

دلیل اشتها: تعدد طریق و راویان.

نجاشی از طریق خود به کتاب فضائل الحج معاویه به واسطه یعقوب بن یزید از ابن ابی عمیر از مؤلف خبر داده است.^۳ شیخ طوسی نیز احمد بن محمد از علی بن الحکم از معاویه و ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از مؤلف را در دو طریق خود معرفی کرده است.^۴ تنها در سند یک روایت در بحث حج، نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و معاویه دیده می‌شود.^۵

۲۷. هشام بن سالم الجوالیقی

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعة»^۶.

ابن نهیک از ابن ابی عمیر از هشام در طریق نجاشی حضور دارند.^۷ در روایات بسیاری نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و هشام بن سالم دیده می‌شود.^۸

۲۸. هاشم بن المثنی الحنات

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعة»^۹.

در طریق نجاشی به کتاب، نام عبیدالله بن احمد بن نهیک از ابن ابی عمیر از مؤلف دیده می‌شود. تنها یک روایت از احمد اشعری از ابن ابی عمیر از هاشم بن المثنی در کتب حدیثی دیده می‌شود.^{۱۰}

۶ تن از راویان ذکر شده در گروه الف یعنی: اسحاق بن عمار، جمیل بن دراج، جمیل بن صالح، حماد بن عثمان، عبدالله بن مسکان و هشام بن سالم، را با استناد به سه شاهد، می‌توان در شمار کسانی قرار داد که احمد بن محمد بن عیسی آثار ایشان را از ابن ابی عمیر روایت کرده است. این سه شاهد عبارت‌اند از: ۱ - وجود گزارشی از روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر در فهرس ۲ - شهرت اثر ۳ - فراوانی روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از ایشان. این در حالی است که در طرق موجود در فهرس، مستندی بر روایت احمد از ابن ابی عمیر از این افراد در دست نیست. بر این اساس با افزودن این ۶ نفر به فهرست قبلی تعداد افراد را می‌توان بالغ بر ۷۸ تن دانست.

این کمترین تعداد از گروه الف است که می‌توان مجموعه مؤلفان پیش‌گفته افزوده. در این مرحله تلاش می‌کنیم با بیان برخی مقدمات احتمال انضمام افراد دیگر موجود در این گروه را به آن مجموعه قوت بخشیم.

گفته آمد که شهرت یک کتاب نشانه اعتماد راویان و اعتبار نسبی آن تلقی می‌شود. روشن است که پذیرش یک اثر از سوی اصحاب و اشتها آن در نزد محدثان، سبب می‌شود که آن کتاب از گزندهای احتمالی مصون مانده و در طول زمان از دایره

تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۳۰۰، ح ۶۴،

ص ۳۲۹، ح ۲۰۵، ج ۷، ص ۱۲، ح ۴۹

رجال النجاشی، ص ۴۳۵، ش ۱۱۶۷

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۲۸، ح ۸

رجال النجاشی، ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵

رجال النجاشی، ص ۴۳۴، ش ۱۱۶۵

برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۱، ص ۳۰۶،

ح ۲، ج ۲، ص ۴۷۴، ح ۲، ج ۳، ص ۲۸۵، ح ۹؛

رجال النجاشی، ص ۴۱۱، ش ۱۰۹۶

تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۵۹، ح ۲۴۲

رجال النجاشی، ص ۴۱۲، ش ۱۰۹۷

الفهرست، ص ۴۶۳، ش ۷۳۸

تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۴۱، ح ۱۷۹

Commented [h۳۴]:

این نکته در جاهای متعدد مقاله آمده، در حالی که می توان این نکته را به آن افزود که احمد اشعری در مسافرتش به کوفه، اخذ و انتقال آثار حدیثی مشایخ حدیثی کوفه را مد نظر داشته و میراث عظیمی را انتقال داده است. (گزارش نجاشی از سفر وی به کوفه در ترجمه حسن وشاء، گویای آن است. همچنین نقش آفرینی احمد اشعری در انتقال حدود ۲۰۰ کتاب از کتب اصحاب امامیه، بر اساس فهراس موجود) از این رو، اگر چه در سند روایات زیادی واقع نشده، ولی می توان طریقت وی را اثبات نمود.
سرخه‌ای: مرجعاً به ناصرتنا سنی شد عبارت بر این اساس اصلاح شود

Commented [h۳۵]:

همان تعلیقه صفحه ۱۱ در اینجا نیز وارد است.
سرخه‌ای: با سپاس پاسخ داده شد

روایت‌گری اصحاب به نسل‌های بعدی، خارج نشود. طبعاً شهرتی که ملازم با اعتبار نسبی کتاب است در طبقات بعدی راویان استمرار خواهد یافت. براین اساس خارج شدن یک کتاب از حد شهرت در دو یا سه طبقه بعد از زمان مؤلف، با شهرت ابتدائی آن بعید به نظر می‌رسد.

از مسافرت‌های فراوان احمد اشعری به کوفه و بغداد، و عزم وی بر انتقال میراث حدیثی آن دیار به قم و رابطه بسیار زیاد وی با ابن ابی عمیر، می‌توان حدس زد علی القاعده آثار پدیدآورندگان معرفی شده در گروه الف به احمد اشعری نیز رسیده است. این گمان با فرض دستیابی ابن ابی عمیر به آثار مشهور در عصر مؤلف بسیار قوت خواهد یافت.

نکته حائز اهمیت در تایید این مطلب آن است که اصحاب حدیث غالباً برای دریافت نسخه‌های آثار به یک استاد رجوع نکرده و به دریافت نسخ دیگر اساتید نیز نظر داشته‌اند. این نکته با مراجعه به کتب فهراس برجای مانده و بررسی طرق، کاملاً قابل اثبات است؛^۱ بنابراین احتمال آنکه روایت احمد اشعری از دیگر مشایخ در فهراس به ثبت نرسیده و گزارش وی از ابن ابی عمیر در دسترس نباشد، قابل پذیرش است.

با این بیان روشن می‌شود که علاوه بر آنکه احتمالاً آثار مؤلفان گروه الف به دست احمد اشعری رسیده، بلکه به دلیل شهرت، از سوی وی گزارش نیز شده است؛ مگر آنکه دلیلی روشن بر نپذیرفتن احمد بن محمد بن عیسی در دست باشد که نیست. حال گوئیم؛ بر فرض پذیرش این مقدمات، باید همه آثار فهرست شده در گروه الف را نیز در شمار کتب روایت شده از سوی احمد اشعری از ابن ابی عمیر از مؤلفان قرار داد. این مجموعه با احتساب ۷۲ مؤلف حاضر در فهرست مؤلفان، به حدود ۱۰۰ نفر خواهد رسید که مطابق گزارش شیخ طوسی است.

گروه ب)

این دسته شامل راویان مؤلفی است که گزارش آثار ایشان از سوی ابن ابی عمیر در منابع موجود بوده؛ اما شاهدی بر شهرت آن‌ها در دست نیست. همچنین دلیلی اطمینان‌آور از روایت این آثار از سوی احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر در اختیار نداریم. یادآوری این نکته ضروری است که در مواردی که نام این افراد در فهراس نیامده تنها به گزارش از مشیخه شیخ صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه، استناد شده است. راویان این گروه عبارت‌اند از:

۱. اسماعیل بن الفضل

شیخ صدوق احادیث وی را در فقیه از طریق عبدالله بن عامر از ابن ابی عمیر از عبدالرحمن بن محمد از فضل پسر مؤلف از مؤلف، روایت کرده است.^۲ اسماعیل بن الفضل همان کسی است که شیخ صدوق رساله حقوق امام سجاد^(ع) را از طریق دیگری از او و به واسطه ابوحمزۀ ثمالی روایت کرده است.^۳ براساس این شواهد می‌توان ابن الفضل را در شمار مؤلفان جای داد. هیچ سندی مشتمل بر نام احمد بن محمد بن عیسی، ابن ابی عمیر و اسماعیل بن الفضل در منابع حدیثی یافت نشد.

۲. بکیر بن اعین

شیخ صدوق در طریق خود به بکیر آن را به واسطه ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از بکیر، گزارش کرده است.^۴ تنها در یک گزارش روایت احمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از عمر بن اذینه از بکیر دیده می‌شود.^۵

۳. حریر بن عبدالله السجستانی

^۱ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۱۲

^۲ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۴۱

^۳ الفصول المختاره، ص ۱۸۰

الکافی، ج ۴، ص ۳۲۶، ح ۱، ص ۳۲۵، ح ۳؛

الاستبصار، ج ۲، ص ۱۰۶، ح ۱۹

^۴ کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۰۵

^۵ برای نمونه، ن. کد: به طرق ارائه شده در

الفهرست، ص ۱۷، ش ۱۲، ص ۲۹۱، ش ۴۳۴؛

نجاشی در معرفی طریق خود به کتاب صلاة حریر از نام ابن نهیک از ابن ابی عمیر از حماد از حریر، بهره برده است.^۱ در طریق شیخ طوسی نیز نام همین افراد دیده می‌شود.^۲ در سند هیچ حدیثی همزمان نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و حریر نیامده است.

۴. الحسین بن ابی العلاء الخفاف

شیخ طوسی در طریق کتاب وی؛ از ابن ابی الخطاب از ابن ابی عمیر و صفوان از مؤلف، نام برده است.^۳ تنها در یک گزارش روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از خفاف آمده است.^۴

۵. الحسین بن مصعب الهمدانی

در طریق شیخ طوسی طاطری از ابن ابی عمیر از مؤلف روایت کرده است.^۵ روایات اندکی را احمد از ابن ابی عمیر از حسین بن مصعب روایت کرده است.^۶

۶. حمدان بن المهلب القمی

عبارت «له کتاب یرویه محمد بن ابی عمیر»،^۷ تنها گزارش مرتبط با او است که برجای مانده و هیچ اطلاع دیگری از وی در دست نیست.

۷. رومی بن زرارة بن أعین

شیخ صدوق روایات رومی بن زرارة در فقیه را از طریق عبدالله بن عامر از ابن ابی عمیر از وی، گزارش کرده است.^۸ روایتی از ابن ابی عمیر از رومی در منابع حدیثی دیده نمی‌شود. همه افراد حاضر در طریق شیخ صدوق، مؤلف اثری بوده‌اند؛ بنابراین احتمال نقل از منابع واسطه در فقیه منتفی نیست.

۸. زرارة بن اعین

شیخ طوسی در طریقش به زرارة، محمد بن خالد برقی از ابن ابی عمیر از بعضی اصحابه از زرارة را آورده است.^۹ در تعدادی از روایات، نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و زرارة دیده می‌شود.^{۱۰} نکته آن است که در برخلاف شهرت فوق العاده زرارة جز اثری با عنوان «الاستطاعة و الجبر»،^{۱۱} به وی منسوب نیست. می‌توان حدس زد که زرارة مجموعه احادیث خود را در قالب اثری مکتوب در اختیار دیگران قرار نداده است؛ وگرنه لااقل باید گزارشی از آن در فهراس به ثبت می‌رسید.

۹. زیاد بن سوقة

در طریق شیخ صدوق به وی، ایوب بن نوح از ابن ابی عمیر از ابن سوقة آمده است.^{۱۲} در منابع حدیثی سندی مشتمل بر نام ابن ابی عمیر و زیاد بن سوقة در دست نیست.

۱۰. زید الزراد

:Commented [h۳۶]

...بر نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و زیاد...

سرخه‌ای؛ منظور این است که حتی ترکیب ابن ابی عمیر و زیاد نیز در اسناد نیامده چه رسد به اینکه نام احمد هم باشد

^۱ برای نمونه، ن: ک: الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶.

^۲ ج ۷، ص ۸۶، ج ۳: تهذیب الأحکام،

ج ۲، ص ۳۱۸، ج ۳، ص ۱۵۷، ج ۳، ص ۳۲۳، ج ۳۲

^{۱۱} رجال النجاشی، ص ۱۷۵، ش ۴۶۳؛

الفهرست، ص ۲۰۹، ش ۳۱۲

^{۱۲} کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۵۲

^۶ الأمالی، الشیخ الصدوق، ج ۱، ص ۲۴۵

ح ۴: الخصال، ج ۱، ص ۱۲۳، ج ۱۱۸، ص ۱۲۸،

ج ۱۳۱

^۷ رجال النجاشی، ص ۱۳۹، ش ۳۵۹

^۸ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵۲۶

^۹ الفهرست، ص ۲۰۹، ش ۳۱۲

^۱ رجال النجاشی، ص ۱۴۴، ش ۳۷۵

^۲ الفهرست، ص ۱۶۹، ش ۲۴۹

^۳ الفهرست، ص ۱۴۰، ش ۲۰۴

^۴ الکافی، ج ۱، ص ۱۷۸، ج ۱

^۵ الفهرست، ص ۱۴۹، ش ۲۲۹

Commented [h۳۷]:

شاید به ذکر این جمله در ابتدای برخی شماره ها نیاز نباشد. همینکه در ابتدای بحث، وقوع در مشیخه را حاکی از مؤلف بودن راوی دانسته اید، کفایت می کند. فقط اشاره کنید که در مشیخه صدوق آمده سرخه ای: براساس فرمایش شما با ذکر تکراری در ابتدای بند ب سایر موارد نیز اصلاح شد

Commented [h۳۸]:

از احمد از ابن ابی عمیر سرخه ای: منظور این است که حتی ترکیب ابن ابی عمیر و مؤلف نیز در اسناد نیامده چه رسد به اینکه نام احمد هم باشد

نجاشی کتاب زید زراد را به واسطه محمد بن عیسی بن عبید از ابن ابی عمیر از مؤلف گزارش کرده است.^۱ از سوی دیگر براساس گزارش شیخ طوسی،^۲ ابن ولید این کتاب را «موضوع» می دانسته و از روایت آن پرهیز داشته؛ اما ابن غضائری^۳ این ادعا را رد کرده است. روایتی از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر از زید الزراد، گزارش نشده است.

۱۱. سلیمان بن خالد الاقطع

نجاشی گفته است که سلیمان مؤلف اثری است که ابن مسکان آن را روایت کرده است.^۴ در طریق شیخ صدوق به سلیمان، ابراهیم بن هاشم از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم از سلیمان، دیده می شود.^۵ تعدادی از احادیث، از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر به واسطه هشام از سلیمان روایت شده است.^۶

۱۲. عبدالرحمن بن ابی عبدالله البصری

شیخ صدوق طریق خود به وی را به واسطه ایوب بن نوح از ابن ابی عمیر و دیگران از عبدالرحمن بن ابی عبدالله، نقل کرده است.^۷ در احادیث برجای مانده، هیچ حدیثی را احمد اشعری از ابن ابی عمیر از عبدالرحمن روایت نکرده است.

۱۳. عبدالله بن سلیمان

شیخ صدوق گفته است؛ احادیث عبدالله را به واسطه یعقوب بن یزید از صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر از عبدالله بن سلیمان، نقل کرده است.^۸ روایت بدون واسطه ای از ابن ابی عمیر از عبدالله بن سلیمان در دست نیست.

۱۴. علی بن عطیة

شیخ طوسی علی بن عطیة را مؤلف کتابی دانسته که برقی از ابن ابی عمیر از علی بن عطیة روایت کرده است.^۹ روایات اندکی از طریق احمد از ابن ابی عمیر از ابن عطیة برجای مانده است.^{۱۰}

۱۵. عمر بن یزید بن ذبیان

نجاشی طریق خود به عمر بن یزید را به واسطه علی بن الحسن بن فضال از ابن ابی عمیر از مؤلف، گزارش کرده است.^{۱۱} در اسناد روایات نام همزمان سه راوی یعنی احمد اشعری، ابن ابی عمیر و عمر بن یزید دیده نمی شود.

۱۶. محمد بن علی بن النعمان الاحول

شیخ طوسی آثار متعددی را به وی نسبت داده است.^{۱۲} در طریق شیخ صدوق، ابراهیم بن هاشم از او استادش ابن ابی عمیر و ابن محبوب از محمد بن نعمان، روایت کرده است.^{۱۳} تنها در سند دو روایت نام احمد اشعری، ابن ابی عمیر و احوال دیده می شود.^{۱۴}

در این گروه تنها می توان نام سلیمان بن خالد الاقطع را به عنوان کاندید قرار گرفتن در فهرست کسانی که کتاب ایشان از طریق ابن ابی عمیر به احمد اشعری و از سوی او به دیگران روایت شده، قرار داد. وجود گزارشی از روایت اثر به واسطه ابن ابی عمیر و دسترسی به گزارش های متعدد از حضور این سه تن در اسناد احادیث، مستند این برداشت است.

۱ رجال النجاشی، ص ۱۷۵، ۴۶۱	۶ برای نمونه، ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۲۸۵
۲ الفهرست، ص ۲۰۱، ش ۳۰۰	۷ ح ۹، ص ۳۷۹، ج ۳، ص ۱۴۶، ح ۱
۳ الرجال لابن الغضائری، ص ۶۲، ش ۳	۸ ح ۲۱۸، ج ۳؛ تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۹۹
۴ رجال النجاشی، ص ۱۸۳، ش ۴۸۴	۹ ح ۱۲، ج ۹، ص ۳۳۴، ح ۴
۵ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۳۹	۱۰ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۶
	۱۱ کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۸
	۱۲ الکافی، ج ۱، ص ۱۳۳، ح ۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۷، ح ۲۹
	۱۳ الفهرست، ص ۲۸۳، ش ۴۲۱

گروه ج

Commented [h۳۹]

اضافه شود: ... گرچه در اسناد روایات، ابن ابی عمیر از ایشان روایت مستقیم دارد. سرخه‌ای: مشکل این است که یا روایتی نیست یا بسیار اندک است

این گروه به روایانی اختصاص دارد که کتاب ایشان در شمار منابع مشهور قرار دارد؛ اما در کتب فهارس و مشایخ از ابن ابی عمیر به عنوان راوی کتاب یاد نشده است؛ اما در پاره‌ای موارد روایت بدون واسطه ابن ابی عمیر از ایشان مشاهده می‌شود. می‌توان این گمان را در این گروه مطرح کرد که به دلیل شهرت اثر و بر فرض گستردگی گزارش احمد اشعری از ابن ابی عمیر از مؤلف در اسناد احادیث، احتمالاً اثر مورد بحث نیز در شمار منابع روایت شده از سوی این دو راوی بوده است. روایان این گروه عبارت‌اند از:

۱. داود بن الحصین الاسدی

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه عنه عدة من أصحابنا»^۱.

تنها یک روایت از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر از داود نقل شده است.^۲

۲. زید الشحام

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعه»^۳.

تنها در دو مورد احمد بن محمد از ابن ابی عمیر به واسطه فردی دیگر، روایتی را از زید الشحام، نقل کرده است.^۴

۳. سیف بن عمیره

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعات من أصحابنا»^۵.

روایات بسیار اندکی از طریق احمد بن محمد از ابن ابی عمیر از سیف بن عمیره روایت شده است.^۶

۴. صباح بن صبیح الحذاء (ابوالصباح الحذاء)

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه عنه جماعه»^۷.

تنها یک سند مشتمل بر نام هر سه راوی است.^۸

۵. عاصم بن حمید الحناط

دلیل اشتها: تعدد طرق به کتاب وی.^۹

گزارشی از روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از عاصم در دست نیست.^{۱۰}

۶. عبدالله بن بکیر بن اعین

دلیل اشتها: «له کتاب کثیر الرواة»^{۱۱}.

روایت احمد بن محمد از ابن ابی عمیر از ابن بکیر بسیار اندک است.^{۱۲}

۷. عبید بن زراره

^۱ رجال النجاشی، ص ۱۵۹، ش ۴۲۱

^۲ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱۹، ح ۳۳۳۶۶

^۳ رجال النجاشی، ص ۱۷۵، ش ۴۶۲

^۴ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۷۲، ح ۳۳، ج ۷، ص ۸۰، ح ۶۰

^۵ رجال النجاشی، ص ۱۸۹، ش ۵۰۴

^۶ الکافی، ج ۱، ص ۳۳، ح ۸، ص ۱۸۶، ح ۶

^۷ ج ۲، ص ۴۷۵، ح ۳

^۸ رجال النجاشی، ص ۲۰۱، ش ۵۳۸

^۹ الأمالی، الشیخ الطوسی، ص ۱۰۲، ح ۱۲

^{۱۰} رجال النجاشی، ص ۳۰۱، ش ۸۲۱؛ الفهرست، ص ۳۴۵، ش ۵۴۴

^{۱۱} در سند الاستبصار، ج ۴، ص ۲۱۷، ح ۳، به

قرینه تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲، ح ۳، «ابن ابی نجران» صحیح است.

^{۱۲} رجال النجاشی، ص ۲۲۲، ش ۵۸۱

^{۱۳} الکافی، ج ۱، ص ۲۷۹، ح ۴؛

تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۰۸، ح ۶، ص ۲۱۳، ح ۳۱؛

الأمالی للطوسی، ص ۴۴، ح ۱۹

:Commented [h۴۰]

اخذ کتاب علاء بن رزین از حسن بن علی و شاء، توسط احمد بن محمد اشعری و علاقه و عجله وی برای این موضوع، که پیش تر اشاره شد، شاید بر خلاف نتیجه ای است که شما گرفته اید. یعنی می رساند که احمد اشعری کتاب علاء را از طریق دیگری دریافت کرده. و دلیلی بر تکرار این فرایند از طریق ابن ابی عمیر در دست نیست. سرخه ای: همانگونه که عرض شد اهتمام اصحاب برای دریافت نسخ مختلف یک اثر قابل پذیرش است. در این فرایند انتخاب نسخه برتر و گزارش آن به دیگران دور از ذهن نیست

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعه عنه»^۱.

روایات اندکی از طریق احمد از ابن ابی عمیر از عبید گزارش شده است.^۲

۸. العلاء بن رزین القلاء

دلیل اشتها: «له کتب یرویها جماعه»^۳.

تعدد طرق شهر آن را تقویت می کند. تنها در یک سند، روایت احمد بن محمد بن عیسی از ابن ابی عمیر از علاء بن رزین آمده است.^۴

۹. غیاث بن ابراهیم التمیمی

دلیل اشتها: «له کتاب مبوب فی الحلال و الحرام یرویه جماعه»^۵.

تعدد طرق، عامل تثبیت این اشتها است. روایات منقول از احمد از ابن ابی عمیر از غیاث بسیار اندک است.^۶

۱۰. الفضیل بن بسار بن بسار

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعه»^۷.

تنها سند یک روایت مشتمل بر نام سه راوی است.^۸

۱۱. القاسم بن عروة

دلیل اشتها: تعدد طرق.^۹

تعداد بسیار اندکی از روایات از طریق احمد از ابن ابی عمیر از قاسم گزارش شده است.^{۱۰}

۱۲. مرزم بن حکیم

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعه»^{۱۱}.

تنها یک روایات مشتمل بر نام سه راوی است.^{۱۲}

۱۳. محمد بن الفضیل

دلیل اشتها: «... حدثنا محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن محمد بن فضيل بكتابه و هذه النسخة یرویها جماعه»^{۱۳}.

هیچ گزارش قابل اعتمادی از حضور این سه در یک سند در دست نیست.^{۱۴}

۱۴. هاشم بن حیان (ابوسعید المکاری)

دلیل اشتها: «له کتاب یرویه جماعه»^{۱۵}.

روایات منقول از احمد از ابن ابی عمیر از غیاث بسیار اندک است.^{۱۶}

^{۱۱} رجال النجاشی، ص ۴۲۴، ش ۱۱۳۸

^{۱۲} الکافی، ج ۲، ص ۱۴۲، ح ۳

^{۱۳} رجال النجاشی، ص ۳۶۷، ش ۹۹۵

^{۱۴} ن.ک: الکافی، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۳

^{۱۵} رجال النجاشی، ص ۴۳۶، ش ۱۱۶۹

^{۱۶} الکافی، ج ۲، ص ۵۵۲، ح ۷؛ معانی الاخبار،

ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۳۹

^۶ الکافی، ج ۵، ص ۲۷۸، ح ۳

^۷ رجال النجاشی، ص ۳۰۹، ش ۸۴۶

^۸ الکافی، ج ۲، ص ۱۶۷، ح ۱۰

^۹ رجال النجاشی، ص ۳۱۴، ش ۸۶۰

الفهرست، ص ۳۷۲، ش ۵۷۹

^{۱۰} الکافی، ج ۴، ص ۱۰۰، ح ۲

تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۲۹، ح ۳۶

^۱ رجال النجاشی، ص ۲۳۳، ش ۶۱۸

^۲ الکافی، ج ۵، ص ۲۸۸، ح ۳؛ تهذیب الأحکام،

ج ۷، ص ۲۳۱، ح ۱۶

^۳ رجال النجاشی، ص ۲۹۸، ش ۸۱۱

^۴ تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۸۸، ح ۳۲

^۵ رجال النجاشی، ص ۳۰۵، ش ۸۳۳

الفهرست، ص ۳۵۵، ش ۵۶۱

به کمک شواهد سندی نمی‌توان هیچیک از افراد موجود در این گروه را در شمار مؤلفانی آورد که احمد اشعری به واسطه ابن ابی عمیر کتاب ایشان را روایت کرده است. در صورت پذیرش استدلالی که در انتهای گروه الف در باره شهرت کتب و سیر انتقال آن‌ها به احمد اشعری بیان شد، می‌توان همان تقریر را در این گروه نسبت به شخص ابن ابی عمیر تعمیم داد. از این رو با اثبات شهرت یک کتاب از آثار اساتید ابن ابی عمیر، انتقال آن به وی هم مفروض انگاشته می‌شود. در نتیجه روایان این گروه را نیز باید در گروه الف جای داد و همان احکام را بر آن بار کرد. در این صورت تعداد ۱۴ منبع به مجموعه منابع گزارش شده از سوی احمد اشعری از ابن ابی عمیر افزوده شده و تعداد بالغ بر ۱۱۴ عدد خواهد شد.

گروه د

بر اساس تقسیم چهارگانه، این گروه به کسانی اختصاص دارد که در اسناد روایات آن‌ها، نام احمد بن محمد از ابن ابی عمیر دیده می‌شود؛ اما به دلایلی روایت کتاب ایشان از سوی ابن ابی عمیر و گزارشی از شهرت آن‌ها، در دست نیست. بنابراین احتمال اینکه بتوان روایت کتاب ایشان از طریق احمد اشعری از ابن ابی عمیر را ثابت کرد، بسیار اندک است. از این رو در بررسی اسامی و آثار ایشان فائده چندانی متصور نبود و از پرداختن به آن صرف نظر گردید.

جمع‌بندی

از مجموعه مباحث ارائه شده در این نوشتار، اهتمام محدثان و روایان امامیه در انتقال میراث حدیثی ائمه^(ع) در قالب آثار مکتوب به روشنی آشکار می‌شود. در این فرآیند نقش بی‌بدیل شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابن ابی عمیر و احمد بن محمد بن عیسی اشعری نیز پدیدار خواهد شد.

با بررسی‌های انجام شده برای راستی‌آزمایی قول شیخ طوسی در گزارش روایت احمد اشعری از ابن ابی عمیر از آثار صد تن از اصحاب امام صادق^(ع)، این نتیجه به دست آمد که؛ در اطلاعات ارائه شده در فهرس^۱ به شکل صریح ۷۲ تن از این افراد معرفی شده‌اند. برای کشف سایر افراد باید از شواهد موجود در اسناد احادیث، شهرت آثار و پی‌جویی منابع روایت شده از سوی ابن ابی عمیر بهره برد. با استناد به این شواهد می‌توان حدود ۶ تن دیگر را به این مجموعه افزود.

اگر شهرت اثر و وجود گزارش روایت کتاب از سوی ابن ابی عمیر را برای دستیابی احمد اشعری به کتاب و روایت آن به دیگران را کافی بدانیم، احتمالاً بتوان نزدیک به ۲۸ فرد (همه افراد حاضر در گروه الف) را به فهرست مؤلفان بیافزاییم. در این صورت عدد حاصل به ۱۰۰ نفر افزایش خواهد یافت. البته با اندکی مسامحه و با همین پیش‌فرض امکان افزودن حدود ۱۴ نفر دیگر (افراد حاضر در گروه ج) نیز فراهم می‌آید.

بر این اساس، عدد گزارش شده از سوی شیخ طوسی قرین واقعیت خواهد شد. در هر صورت باید پذیرفت که ظاهراً، گزارش شیخ طوسی در صدد تعیین دقیق این پدیدآورندگان نبوده و عدد ارائه شده در آن تقریبی است.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، چاپ: ششم، کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش
 ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، چاپ: اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۸ق
 ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، چاپ: اول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ش
 ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، چاپ: اول، کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ش
 ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لایحضره الفقیه، چاپ: دوم، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ق
 ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الاخبار، چاپ: اول، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳ق

Commented [h۴۱]: بهتر است خلاصه‌تکرار شود. سرخه‌ای: حجم مقاله اجازه چنین تکراری را نمی‌دهد

Commented [h۴۲]: یعنی دو احتمال را با هم لحاظ کرد. استدلال را مست می‌کند. مخصوصاً با قرینه خلاصه‌ای که در صفحه پیش عرض کردم. سرخه‌ای: قرینه خلاف به نظر حقیر قابل پذیرش نیست. بنده با نظر شما (مست بودن استدلال) موافقم اما این نظر نویسنده دوم مقاله است که به صورت احتمال مطرح شده است. به همین خاطر گفته شد در صورت پذیرش استدلالی که در انتهای گروه الف مطرح گردید

Commented [h۴۳]: به دلایلی... روایت... (به دلایلی...) سرخه‌ای: اصلاح شد

Commented [h۴۴]: مناسب بود به برخی از ایشان اشاره شود. ... روایانی چون: ... سرخه‌ای: ترجیحی بر انتخاب چند اسم از میان آن اسامی نیافتیم. البته مشکل حجم مقاله هم وجود دارد

Commented [h۴۵]: گرچه این واژه، برگردان فهرست است، ولی از همان واژه استفاده کنید بهتر است. این تعبیر مسبقاً به سابقه در مقاله شما نیست. سرخه‌ای: اصلاح شد

Commented [h۴۶]: بخش «جمع بندی» تقریباً باید مستقل نگاشته شود. اگر می‌گویید «گروه الف» باید قبلش توضیح داده شود. اصلاح شود. سرخه‌ای: متأسفانه منظور شما را متوجه نشده‌ام. فکر می‌کنم ارجاع به گروه الف واضح باشد

ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، چاپ: اول، دارالحدیث، قم، ۱۳۶۴ش
 برقی، احمد بن محمد بن خالد، رجال البرقی، چاپ: اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۲ش
 حافظیان البابلی، ابوالفضل، رسائل فی درایة الحدیث، چاپ: اول، دارالحدیث، ۱۳۸۲ش
 حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، تحقیق: مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ: اول، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۹ق
 حمادی، عبدالرضا، حسینی، سید علیرضا، بازشناسی منابع کلینی در تدوین کافی، دوفصلنامه حدیث پژوهی، شماره ۱۱،
 ۱۳۹۳ش
 سرخه‌ای، احسان، اعتبار سنجی روایات شیعه بر پایه ارزیابی منابع مکتوب (تاقرون پنجم هجری)، استاد راهنما: سید محمد
 کاظم طباطبایی، ۱۳۹۳ش
 طوسی، محمد بن الحسن، الإستبصار، چاپ: اول، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۰ش
 طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، چاپ: اول، تحقیق: مؤسسة البعثة، دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق
 طوسی، محمد بن الحسن، الفهرست، چاپ: اول، مکتبة المحقق الطباطبائی، قم، ۱۴۲۰ق
 طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، چاپ: چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق
 طوسی، محمد بن الحسن، رجال الطوسی، چاپ: سوم، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۳۷۳ش
 عمادی حائری، سید محمد، بازسازی متون کهن حدیث شیعه، چاپ: اول، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای
 اسلامی، تهران، ۱۳۸۸ش
 کشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، چاپ: اول، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ق
 کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، چاپ: چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق
 کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، تحقیق: رجایی، مهدی، چاپ: اول، مؤسسة آل البيت (ع)، قم، ۱۳۶۳ش
 مفید، محمد بن محمد، الأمالی، چاپ: اول، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق
 مفید، محمد بن محمد، الفصول المختارة، تحقیق: میر شریفی، علی، چاپ: اول، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، قم
 ملکی، محمود، بازپژوهی منابع کافی (بخش الاصول)، استاد راهنما: محمد کاظم رحمان ستایش، ۱۳۹۶ش
 نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چاپ: ششم، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۳۶۵ش